

## ترس مرگ در جان رژیم کودتا

مرادگاه " نظامی محمد رضا شاه بار دیگر با اعلام احکام فرما شد که بنا بر آن ۱۴ روشنفکر میهن پرست ایرانی به حبس‌های سه تا پانزده ساله محکوم گردیدند؛ بگزار خود خاشته داد. ایسن اولین بار نیست که چنین نمایشنامه‌هایی مفتضحانه‌ای بنفلسام " دادگاه " به روی صحنه میاید. این نمایش تا شون دها بار به روی صحنه آمده و بدون شك در آینده نیز بارهای دیگری به صحنه خواهد آمد. هنوز این احکام فرمایشی دادگاه اخیراً نگریده بود که از گوشه و کنار خبر بازداشت و احیاناً محاکمه آتی ۲۱ نفر دیگر انتشار یافت.

آیا این جنایات مکرر که رژیم ایران سرسایه میاید آنها دستی بردنانه عدم نجات وی نیست؟ این محاکمات اصولاً با چه انتهای صورت میگیرد؟ سابقاً اتهام تقریباً کلیه بازداشتشدگان داشتن مرام اشتراکی بود و امروزه بر این اتهام ترمین جنگ پارتیزانی در جنگها و نظیر آن اضافه میگرد. البته معلوم نیست کسه این اتهام در مورد این یا آن فرد تا چه اندازه صحت داشته باشد ولی آنچه رژیم ایران را با این اتهام و امیدار تنها وحشت او از واقیعی است که هستی او را به فنا تهدید میکند: مردم کشورهای منطقه توسعه فاسانهاییه تد ریح در میبایند که یگانه راه نجات آنها دست بردن بجنس توده‌ایست و پذیرش این حقیقت در جامعه ما زمینه‌های مسافت یافته است. مردم ایران با بررسی تجربه چند ده ساله مبارزات ملی و طبقاتی خود بدین نتیجه میرسند که سرنگونی رژیم جنهمی کونی تنها با توسل به قهر انقلابی، با بسیج یک ارتش توده‌های میسر است. رژیم خائن ایران نیز هر آنچه در قدرت دارد بگزار میاندازد تا مردم ایران بدین راه کشانده نه شوند و درست بدین جهت همه روزه نمایشهای مفتضحانه جدیدی بنام " دادگاه " نظامی بروی صحنه میاورد تا زهر چشم بگیرد.

ولی ما تردیدی نداریم که این تلاشهای درخیمان عبث است. هر چه رژیم ایران بر شدت درندگیهای خود بنیافزاید خشم توده‌های مردم نیز فروتر میگرد. جنبش عظیمی که در ماههای اخیر برای دفاع از زندانیان سیاسی انجام گرفت خود مبین بی اثر ماندن تلاشهای دستگاه حاکمه بخاطر زهر چشم گرفتن از توده‌های مردم میباشد. بخصوص مبارزات اخیر دانشجویان ایرانی در خارج کشور تحت رهبری شکر راسیون دانشجویان، از رشد و اعتلاء قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود و هست. توده‌های وسیعی از دانشجویان برای دفاع از میهن پرستای که تحت شگجه درخیمان هستند در صفوف واحدی تشکیل گردیدند؛ با میتینگ‌ها، اعتصاب‌ها، اشغال سفارتخانه‌ها و با فعالیتهای توضیحی و مطبوعاتی، گردانندگان رژیم را وادار ساختند که از حکم اعدام شهمان چشم بپوشند. البته تخفیف مجازات از اعدام به حبس، آنها در زندانها و تبعیدگاههای محمد رضا شاه، تخفیف چندانی نیست - و درست بهمین جهت بایستی مبارزات دفاعی ادامه یابد - اما اهمیت مبارزات دفاعی دانشجویان نیز فقط در آن نیست که احکام اعدام به حبس‌های طولانی تخفیف یابد. اهمیت این مبارزات بویژه در آنست که مردم را به خون آشنای محمد رضا شاه بیشتر متوجه میسازد. به آنها میفهماند که کلیه مانورهای دستگاه حاکمه وعده و وعید و فرقه‌های او مطلقاً دروغ است. بقیه در ص ۳۳

## راه شهیدان راه ماست

چهاردهم بهمن، روز شهادت دکتر قی ارانی. در زندان بدست درخیمان حکومت رضاخان، روز یادبود و بزرگداشت همه شهیدانی است که در نبرد بخاطر رهائی خلق از یوغ استعمار و استثمار بسا خون خود نهال انقلاب ایران را آبیاری کرده و رشد داده اند.

ما در اینجا خیال مرثیه خوانی و شمایل داری نداریم؛ شهیدان پر افتخار راه انقلاب نیز هرگز باین دیده نمینگریم و یقین داریم اروپا پاک شهیدان نیز از چنین کاری بیزار و رویگردان است. روزیونیت های ایران که در قبال خلق، در قبال شهیدان مسئولیتی نمیشناسد خود را سرگرم شمایل داری شهیدان کرده اند تا شاید از این طریق راهی برای خوشبو در لبا بکشایند. آنها در تمام طول سال - دستاویز هم همیشه میوان یافت - بگزار عزاداری و مرثیه خوانی مشغولند. اما یادآوری زندگی قهرمانان برای آنستکه از آن الهام گرفته‌اند آنرا وسیله و وثیفه حیثیت و اعتبار برای خویش ساخت. ما شهیدان، این فرزندان شایسته خلق را از این جهت گرامی میداریم که آنها با خلق بلادیده و رنج کشیده ما پیمانی استوار بستند، هیچگاه و حتی در او پسین دم زندگی نیز پیمان خود را نشکستند. راهی که آنها در پیش گرفتند راه رهائی خلق بود، راهی طولانی و پربخافت. اما آنها همراه با خلق و در پیشاپیش خلق در ایتره گام برداشتند. دشمن، این پیشاهنگان خلق را یکی پس از دیگری برخاک هلاک انداخت ولی فرزندان دیگری از میان خلق جای آنها را گرفتند و همچنان بطی طریق ادامه دادند.

ما پیویگان و ادامه دهگان راه این شهیدانیم و میگوئیم از وفاداری آنها بخلق، از جانبازی آنها در راه خلق، از خصائل انقلابی آنان سرمشق بگیریم. ما این سخنان رفیق مافوقسه دون را شعار خود میسریم:

" هزاران هزار شهید جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده اند. بگذر در رفتن آنها را بر افزایش و در راهی که با خلق آنها ترسیم شده است پیش رویم."

این در رفتن آنهاست که ما برافراشته ایم و راه آنهاست که در پیش گرفته ایم. خاطره آنها بما الهام میبخشد و قهرمانی آنها.

بما نیرو میدهد.

خلق ایران و در پیشاپیش آنها کونیست های ایران با جهاد و فداکاری و جسارت و پایداری، از موانع و مشکلات آنچه را که توان از سر راه انقلاب ایران برداشتند و گامهایی نیز پیش برداشته اند ولی هنوز راهی طولانی، پرفراز و نشیب، پریب و خم و پرمخاطره ای در برابرما است. بدون شك سیاهه شهیدان انقلاب هنوز بپایان نرسیده است و هنوز جانبازی و قربانیهای فراوانی لازم است تا انقلاب بیروزی انجامد.

آیا میوان بدون تحمل تلفات و قربانیها بیروزی انقلاب نائل شد؟ تردیدی نیست که حزب طبقه کارگر باید بر اساس تحلیل علمی شرایط مبارزه و اتخاذ استراتژی و تاکتیک صحیح، توده های خلق را آنچنان رهبری کند که ناگامیها و تلفات بعد اقل تقلیل یابد. اما از اینجا نتیجه نمیشود که راه انقلاب ایران را میتوان بدون جانبازی و تلخکامی پیمود. تاریخ انقلاب و از آنجمله انقلابات پرولناریستی در برابرما است. " آنکمن که مدعی است که بانقلاب نباید دست یازید مگر آنکه بدون حوادث نامطلوب جریان یابد و ازین نتیجه هرگونه قربانی و ناگامی تضمین شده باشد، آنکس هیچگونه انقلابی نیست" (پیشنهاداتی درباره مشی عمومی جنبش کمونیستی).

روزیونیتسهای حزب توده ایران درسته بقیه در ص ۲

## رنجبر

... چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفداری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود. چسرا اینقدر از رنجبران میترسید؟ ... مگر رنجبر تمام جزئیات حیا شما را تا مین نیکند؟ ... مگر اکثریت ملت ایران بنسبت نه دهم رنجبر نیست؟ ... مگر مخالفت با رنجبر مخالفت با ملت ایران ... نیست؟ ... این نوع تعقیب و محاکمه واضح میکند که شما نه فقط با توده مخالفید بلکه نیز از آن سخت هراسانید. این تعقیب شدید غیر ترس و لیز غلت دیگر نمیتواند داشته باشد. باین ترتیب شما ازار تلویخی به قدرت توده می کشید. پس شما را به عاقبت وخیم این طرز عمل خودتان متوجه میسازیم ..."

از من دفاع دکتر ارانی در دادگاهینجا

## برخی از مظاهر آنتی کمونیسم در ایران

همه مرتجعان ایران ضد کمونیست اند و محمد رضاشاه را رس آنها. در تاریخ اخیر ایران هیچ حادثه مهمی نیست که از خود کمونیست ها رنگین نباشد. حکومت ایران نه فقط کمونیست‌ها را به حبس و زجر و اعدام محکوم میکند بلکه هر کس را که مناسبتین محکومیت ها یابد بملونیسم منسوب میسازد. دشمنی هیئت فرمانروای ایران با کمونیست‌ها پنهانی و مشروط نیست؛ آشکار و مطلق است. درباره این دشمنی نیازی به شرح و بسط. ولی متأسفانه در میان نیروهای ملی و ضد امپریالیستی نیز کسانی را میوان یافت که ضد کمونیست اند یعنی نه فقط کمونیست نیستند بلکه کمونیست‌ها را دشمن میدانند. مظاهر عمده آنتی کمونیسم آنها چنین است:

این ضد کمونیست‌ها میدانند که چشم جهان و از آنجمله چشم ایران بر روی حقایق کمونیسم باز شده است. کمونیسم از آغاز ظهور خود تا امروز چنان نمونه‌هایی از اندیشه عالی و آفرینندگی، جانبازی، ترقی و سازندگی بوجود آورده که هر کس نخواهد بدین رکات ارتجاع سیاه سقوطند نمیتواند نفی مطلق کمونیسم را شیوه خود سازد. از اینجهت این ضد کمونیست‌ها در عین حال که در برابر کمونیست‌های ایران همیشه قیافه بر خم و کین دارند با کمونیسم جهانی گاهگاه با لیخن رویرو میشوند و حتی برای وی با حرارت تک میزنند. بعقیده اینان کمونیست‌ها برخی از نقاط جهان خونسد و کمونیست‌های ایران و بطور کلی کمونیست‌های خاور نزدیک و میانه بداند. اگر ای صحبت این ضد کمونیست‌ها بنشینیم چنین موعظه میکنند که در کشورهای خاور میانه و نزدیک " کمونیست بمعنای فردی که مارکسیسم معتقد است و بیاک عضوی که برای احیاء و منشورهای ملتش این آید تلویزی را انتخاب کرده نیست. آنجا کمونیست بمعنای

بزرگترین و نیرومندترین سد راه نهضت ملی است" (روزنامه ایران آزاد " شماره هفت فروردین ۱۳۴۴).

اگر این ادعا را بید بریم ناچار باید بید بریم که محمد رضاشاه که نام کمونیست‌ها پیوسته سرفهرست اعدایمان او بوده " بزرگترین و نیرومندترین سد های نهضت ملی" را لویه است! و در اینصورت باید محمد رضاشاه را دستیار رهروان نهضت ملی ایران دانست! و در اینصورت باید از او ساسگاری کرد!

متأسفانه این ضد کمونیست‌ها بتناجیح که از ادعای خوانتها حاصل میشود توجه ندارند.

محمد رضاشاه جمعی از بهترین فرزندان وطن ما را میزند و میگوید باین اتهام که کمونیست انه و این ضد کمونیست‌ها همان عده را میزند و میگویند باین اتهام که کمونیست واقعی نیستند! هم محمد رضاشاه و هم این ضد کمونیست‌ها اعضاء حکم اعدام موافقند؛ منتها باین دست لال ظاهر مخالف.

ببینید وقتی که عبدالسلام عارف در عراق سرگام آمد و سیاهترین نیروهای عراقی تفنگ و داس در شمر داشتند رخیانهای بعد از او موصل و بصره بشکار کمونیست‌ها پرداختند برخی از این ضد کمونیست‌ها چه نوشتند: " امروز داستان عراق نیز از همین مقوله است. چه اشکها که خیرگزارهای غریب و مطبوعات دست راست بحالات زار کمونیست های عراق نمیریزند. کمتر کسی است که در غرب بفهمد که یک عرب مصری و عراقی و الجزایری و یک ایرانی از کمونیست چه تصویری دارد" (همان شماره " ایران آزاد ").

نویسنده مقاله بچشم آمده که چرا بخاطر کمونیست‌های شهید عراق اشکی ریخته شده است و مدعی است که این اشک را " خیرگزارهای های غریب و مطبوعات دست راست" ریخته اند. تردیدی نیست که روح نهضت ملی و ضد امپریالیستی بقیه در ص ۳۳

# توطئه شکست خورده‌ای برضد خلق‌های عرب

نه تفنگداران آمریکائی به سن دینیک هدیه کردند، همانگونه صلیبی که در سایه تانک‌های رویزیونیستهای شوروی در چشملوگ بر خاستر "یان پالاح" حذوق‌ناست .

رویزیونیستها ترجیح بند شوم خود را از سر گرفتند که "صلح جهانی" بعلت حوادث خاورمیانه در خطر است و از این جهت باید هر چه زودتر "ترتیب مسالمت آمیزی" برای خاتمه دادن به مخاصمات جستجو کرد . استدلال آنها گاملاز نوع استدلال چمبرلن در کنفرانس مونیخ بوده، استدلال بسودفاشیسم تجاوزکارماستدلال بسود تسلیم طلبی .

اما آنکه که صدای پر شکوه نمایندگان خلق رزمند فلسطین بر خاست و از جانب همه نمایندگان خلق‌های عرب با شور و ولوله تأیید شد رویزیونیستها با رنک پریده و تن لرزان ناچار به سکوت شدند . روزنامه لوموند وضع پریشان آنها را چنین توصیف میکند :

"شوروی‌ها که بینهایت متناصل شده بودند غالباً از ما میگریختند و به مقررات آئین نامه اداره جلسات پناه میبردند" "روس‌ها و آمریکائیا در کردارها بهت و حیرت‌خود و گاهی خشم خود را در برابر این "حمله" هواداران مبارزه مسلحانه لشکر آدشان یکی از شگفتی‌های کنفرانس حاضرانست"

توده دانشجو ... بقیه از صر ... شعارهایی مایه اتحاد همه نیروهای ملی و دموکراتیک است . سازمان دانشجویان نیز له سازمانی صغی و توده‌ای است باید این شعارها را در سرلوحه هدف خود بگذارد .

حوادث ماههای مه و ژوئن در فرانسه نشان داد که عصر ما چه نیروهای انقلابی بیسیاسی‌ای در دامن خود می پرورد :

در این حوادث دانشجویان نه برای هدفهای محدود و صغی و اقتصادی بلکه برای یورش مستقیم بر مواضع سرمایه‌داری انحصاری و در زیر پرچم سرخ و با سرود انترناسیونال به نبرد با پلیس پرداختند . عظمت قیام کارگران و دانشجویان فرانسه حقارت رویزیونیستهای آن کشور را بیش از پیش نمایان ساخت .

رویزیونیستهای فرانسه، قطعنامه "بورژوازدانک‌انزوروز" نامیدند ولی خودشان مانند بورژوازیستای دست آموز عمل کردند . در کشور ما نیز رویزیونیستها که جپ و راست بر حسب "خرد مبوروز" بر نهضت دانشجویی می‌جسباندند خودشان داغ همدستی با رژیم را بر جهره دارند .

ما معتقدیم که - همانطور که حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه گفته است - عصر ما عصر جوشش افکار است . همین خصوصیت عصر ما توده‌های غیر پروتلاریائی را روز بروز بیشتر بسی پروتلاریا می‌کشد و با سلاح ایدئولوژیک این طبقه محضر مبارزه . طبقه نمایندگان طبقه کارگر و طبقه مارکسیست لنینیست‌ها است که جسورانه بتوده روشن فکر و دانشجوی ایران روی آورده به نیروی انقلابی نهفته در آنها ایمان داشته باشند آنها را بوسیله شعارهای سیاسی دست و از طریق اشکال گوناگون سازمانی به صورت بر مواضع دست‌نشانند .

"انقلاب ملی و انقلاب دهقانی" که هر دو خصم بورژوازی و اژدگی در وظیفه اساسی است که باید طی مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک، انجام گیرد . بدون انجام این دو وظیفه گذار مرحله سوسیالیستی انقلاب ممکن نیست . برای آنکه این مرحله از انقلاب با موفقیت تکمیل یابان باید و شرایط گذار مرحله سوسیالیستی انقلاب فراهم آید رهبری پروتلاریا در انقلاب ایران ضروری است . بدون رهبری طبقه کارگر انقلاب به هدفهای خود دست نخواهد یافت و دست خواهد افتاد ولذا باید گفت که ایران در مرحله انقلاب دموکراتی نیون یعنی مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک بر رهبری طبقه کارگر است ."

مستخرج از طرح "وظایع مردم‌وروی مارکسیستها لنینیستهای ایران"

این طرح که بضمیمه شماره ۴ دوره سوم توفان منتشر شده در دفتر روزنامه موجود است . آنرا برای مطالعه و اظهار نظر و توزیع از توفان بخواهید .

هرچه مبارزه مسلحانه خلق فلسطین با مهاجمان اسرائیلی به پیروزیهای تازمتری میرسد و هرچه مقاومت کلبه خلق‌های عرب متشکل‌تره آگاهانه‌تر و قاطعانه‌تر میشود رویزیونیستهای شوروی که می‌شوند تصمیمات مشترک، خوب امپریالیسم آمریکا را بر خلق‌های عرب تحمیل کنند شتاب زده‌تر و سراسیمه‌تر میگردند . از نگرین اشتن نقاب خویش قافل میاننده و این فرصت مناسبی است برای مشاهده "چشمه آنها با تمام گزاهشتن .

بخاطر بی‌اوریوم که رویزیونیستهای شوروی در ژوئن ۱۹۶۷ با بنای امپریالیسم آمریکا دولت مصر را که از تدارک حمله اسرائیل با خبر بود و ادا سازختند که از هرگونه اقدام جدی برای ختنی ساختن آن خود داری کند و این امر تأثیر بزرگی در موفقیت تهاجم غافلگیر اسرائیل داشت . بخاطر بی‌اوریوم نطق جمال عبدالناصر را در ۱۱ ژوئن ۱۹۶۷ چنین گفت :

"۲۶ ماهه پیزیذنت جانشون بوسیله سفیر ما پیامی فرستاد و از ما خواست که خونسرد باشیم و اگر نمیخواهیم با نتایج وخیمی روبرو شویم در هیچ حالی مخاصه با اسرائیل را شروع نکنیم . همان شب سفیر شوروی در قاهره در ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بعد از نیمه شب از من تقاضای ملاقات کرد . پیامی از دولت شوروی داد که از ما مصرا نه خواسته بودند که در شروع مخاصه پیشقدم باشیم . روز دوشنبه ۵ ژوئن دشمن بمبا حملور شد "

بیبوده نبود که پس از حمله اسرائیل بر مصر مردم خشمگین قاهره بر سفارت شوروی حمله بردند و فریاد مرده یادپرشتی بالا همین رویزیونیستهای شوروی یار دیکریا امپریالیسم آمریکا تپانی کرده اند تا خلق‌های عرب را از هرگونه عمل جدی در سرکوب تهاجم اسرائیل باز دارند . یکی از نمونه‌های دساتس آنها تشکیل کنفرانسی است بنام "کنفرانس بین‌المللی همستی با خلق‌های عرب" رویزیونیستهای شوروی نخستین جلسه این کنفرانس را در نوامبر گذشته در دهلی تشکیل دادند و سپس در ژانویه امسال لازم دیدند جلسه دوم آنرا فراهم آورند .

عده گشیری از ایادی شوروی و رویزیونیستهای سرشناس در کنفرانس قاهره شرکت جستند تا نمایندگان خلق‌های عرب را در محیطی سرشار از روحیه اپورتونیستی و تسلیم طلبی محصور سازند . منظورشان عبارت بود از قبولاندن قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد به خلق‌های عرب ، قطعنامه‌ای که محصول سوداگری کاسکین و جونسون در کلاس سبور است ، قطعنامه‌ای که دولت اسرائیل را بشابه سرپل تجاوز امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه تثبیت میکند ، نتیجاش تحکیم سلطه اسرائیل بر کشورهای عربی است ، هدفش جلوگیری از مقاومت مسلحانه خلق‌های عرب برضد امپریالیسم آمریکا و اسرائیل تجاوزکار است . در همان روزهایی که این قطعنامه برای تصویب شورای امنیت آماده میشد خبرنگار روزنامه لوموند از مسکو چنین گزارش داد :

"بین نظریه‌های محضی و روش رسمی (شوروی‌ها) چله بسیاری است ... در اینجا امروزه موضع گیریهای علنی و تبلیغاتی میتوان بدرک این احساس رسید که سیاست شوروی و آمریکا در خاورمیانه با یکدیگر تصادم جبهه‌ای ندارد بلکه موازات هم پیش میرود و هدف مشترکشان عبارتست از اجتناب از بر خیزد و استفرا ثبات" ( لوموند ۱۴ نوامبر ۱۹۶۷ ) .

اینکه در کنفرانس قاهره رویزیونیستهای شوروی میخواهند قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ را که زائیده این "هدف مشترک" آنها و امپریالیسم آمریکاست، بر کرسی بنشانند . البته رویزیونیستها - چنانکه شیوه همیشگی آنهاست - در کنفرانس قاهره از سخن رانی‌های پر آب و تاب در مذمت امپریالیسم و تجاوزکارهای اسرائیل باز نایستادند . ولی آخرین تلاششان چه بود ؟ از این روضه‌خوانی به کدام صحرای کزیز زدند - به صحرای همزیستی مسالمت آمیز به صحرای صلح، همانگونه صلحی که کشته شدن لومومباد رکتور برقرار شده همانگونه صلحی

برحمت پنهان می‌داشتند .

نمایندگان خلق رزمند فلسطین باتکا، واقعیت تأیید کردند که یگانه راه حل مسئله فلسطین و تأمین صلح در خاورمیانه مبارزه مسلحانه برضد تهاجم اسرائیل و برانداختن این نگاه امپریالیستی است . اکثریت کنفرانس‌این راه انقلابی درود فرستاده و راه تسلیم طلبانه پیشنهادی رویزیونیستهای شوروی را مردود شناخت .

یکی از رجال دولتی عرب چنین گفت :

"صهیونیست‌ها راه مقاومت را بنا نشان دادند ، پیروزی ویتنام بر آمریکای قادر و قاهره بر امپدواری بخشید که شکست ما موفقی است " . این نتیجه‌گیری درستی است . ما بر آنیم که همچنان که رفیق مائوسه‌دون می آموزد :

"... هر کشور، خواه بزرگ و خواه کوچک ، اگر خلق خود را تماما بسیج کند ، اگر مصلعانه بد و تکیه دهد و بجنگ توده‌ای بپردازد بر هر دشمنی، هر قدر نیرومند باشد، غلبه تواند کرد ." .

طبقه نهضت مقاومت خلق فلسطین نوید میدهد که بزودی خلق‌های عرب از دام فریب رویزیونیستها و بندارهای "مسالمت آمیز" خواهند رست و با بسیج نیروهای بی پایان خود از طریق جندهای توده‌ای بر اسرائیل و امپریالیستها و رویزیونیستهای نگهدار او پیروز خواهند شد .

راه شهیدان ... بقیه از صر ... در زمره این کسان اند آنها همینکه از انقلاب سخن بمان میاید که در آن خلق ایران برای رهایی خویش از این دستگاه استبدادی اجتمعی باید زور را با زور ، گلوله را با گلوله پاسخ دهد و با اعمال قهر این دستگاه را از سربر قدرت بزیز بکشد ، فوراً بان یک برجسب "ماجراجوشی" میزنند که کویا "جنبش انقلابی را بشکست می‌کشد و قاره گناه را باید توده های مردم بپردازند" . بزعم آنها بارگ آنکه توده های مردم از پرداخت گناه گناه در امان بمانند ، با تا پیدایش "وضع انقلابی" با وضع موجود ساخت ، همچنان در اسارت بسر برد ، بجایبها و خیانتهای رژیم استبدادی تن داد و بادامه زندگی منتق بارگوشی تسلیم شد . اخترا از پرداخت گناه در واقع بهانه عوامفریبانه ایست برای آنکه ضدیت خود را با انقلاب بیوشانند . آنها این سخنان لنین بزرگ را که سیستم سرمایه داری " حتی در جریان مسالمت آمیز ترین حوادث قربانیهای بیشماری از رختکشان مطبلید در کوشش نمیکوند ، آنها کویا نمیبینند که هر روز هزاران نفر از مردم ما قربانی بلای ناشی از رژیم اجتماعی کونی میگردند . این قربانیهای رژیم از آنجا که ما بدان خو گرفته ایم کویا بدیده‌های عادی است . اما ما با که مردم بجان رسیده بویو پاسداران مسلح محمد رحمانه دست بلند کنند ، ما با کسی از مردم که دعوت کند که بجای مرگ از کرمسکی و بیخانمانی ، از زلزله و سطل و سرما زندگی خود را در راه انقلاب در میدان نبرد کند ، زیرا قاعده بهم میخورده خرق عادت میشود و احساسات انسان - دوستی رویزیونیستها بمیلان هاید که مردم " گناه گناه میبرد دارند " معلوم نیست چرا باید مرگ در اسارت و بدبختی را ستود و مرگ قهرمانانه در صحنه نبرد قطعی بخاطر رهایی از وضع بی سرانجام کونی را نکوشد کرد و از آن تا تصحید اعتباری و توطئه های پنهانی جلوگیری کرد .

جوانان دلیر کرد تفنگ در دست میکنند تا مسلحانه در برابر احفافات حکومت مرکزی از حقوق خلق دفاع کنند در این نبرد قهرمانانه از ایثار جان خود نیز دریغ نمیورند . این افتخا آنها است که باید سرمشق دیگران واقع شود . اما رویزیونیستها مسلح بودن آنها را حتی پس از مرگ هم میوشانند و این افتخار را که در برابر رژیم زورگویی شاه مسلحانه بنبرد پرداخته اند از آنان میگیرند . نیت رویزیونیستها اینست که دیگران باین شیوه مبارزه ترغیب نشوند و "ثبات" رژیم که خواست زمامداری شوروی است ادامه عمل بیوشد .

مارکسیست - لنینیستها با خلق خود میناق میکنند که علی رغم مشکلات و دشواریها توده‌های مردم را با روح انقلاب پرورش دهند ، پرچم انقلاب را محکم بدست گیرند و تا پیروزی نهایی همچنان پیش‌برند . در این نبرد دشوار و طولانی خاطره شهیدان الهام بخش آنهاست .

## پیروز باد جنگ توده‌ای خلق قهرمان ویتنام

نقش نایسته زنان... بقیه از صر وضع زنان در خانواده است در آنجا که مرد بزن فرمانروایی مطلق دارد حتی جان زن نیز در پاره‌های مواد از دستبرد مرد در امان نیست. زنی که تمام روز را در اداره کارخانه آموزشگاه و غیره کار کرده پهلای تمام کار باید به کارخانه برآورد که بدون شک کاری کم‌تر است. زن روزی و روز تعطیل نمی شناسد... اسارت و محرومیت ناشی از سلطه امپریالیسم و ارتجاع عدم برخورداری کامل از حقوق اجتماعی در جامعه بردگی در محیط خانواده، نتایج ملالت باری که بر آنها مترتب میگردد اینهاست آن عواملی که آلام و مصائب زنان را دو چندان شدت می بخشد چنانچه تا ساف است که بسیاری از مردان حتی مردان متروقی و پیشرو از درک موقعیت زن در اجتماع ناتوانند. ما گاهی با کمونیست‌هایی برخورد میکنیم که در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی مسائل را بردستی می فهمند ولی آنجا که پای زن بعیان میاید پایشان می لنگد چنین شیوه تفکری در نزد مردان انقلابی بسه کار انقلاب زبان میرساند. جا دارد که به برخورد و رفتار خود نسبت بزنان ببیند بشیم و احساس برتری کاذب را که خصلتی بنام معنی ارتجاعی و محصول قرون گذشته است در خود خاموش کنیم بگوئیم یا تر شاطر باشیم نه بار خاطر... از سکنه کشور ما نبی را زنان تشکیل میدهند و این نیروی مادی و معنوی عظیمی است که میتواند در انقلاب در کار خراب جامعه کهنه و ساختمان جامعه نوین نقش بسیار موثری ایفا کند دستگاه حاکمه که خود به عطف این نیرو واقف است میگوید سبانهایی نظیر اینکه زن باید به خاندان و بچه‌داری بپردازد این نیروی عظیم را در چهار یوار خانه محصور کند یا با افتادها هم چون طبل بلند باند ریاضت هیچ اند این نیرو را زنجیر و حرکت باز دارد و در راه مقاصد خود و تحکیم رژیم و پشتیبانی از آن بکشد. ماهیت "انقلاب شاهانه" در "اعطای حق انتخاب شدن و انتخاب کردن بزنان و انتصاب تنی چند از زنان بسه وکالت و وزارت و ریاست از همین نیت و غرض بر میخیزد. در کشوری که از دموکراسی و آزادی کترین بونی بشام نمیرسد صحبت از "اعطای حق انتخابات بزنان" چه در وقت و مردم فریبی نیست روزیونیست‌های حزب توده ایران که "انقلاب شاهانه" را ده مثبت ارزیابی میکنند هم اینک با شاه و سران رژیم میگویند مبارزه زنان را در کار حقوق زن محدود سازند و از زنان دعوی میکنند که فی المثل بخاطر تساوی حق ارت بسیار بر خیزند آنها با این شعار خود در واقع دفاع از دختران خانواده‌های توانگر و شرفمند را بر عهده میکنند و گرنه بیش از ۹۰٪ مردم ایران که بنان شب خود نیز محتاج اند کجا مانتو بر جای می گذارند به بالنافه میاز، دختران و پسران تقسیم شود. اصلاً آیا شعار مبارزه بخاطر تساوی حق دختر و پسر در ارت میوا زنان ایران را برای مبارزه بسیج کند؟ آیا این شعاری بدون محتوی و تو خالی نیست که فقط بخاطر منصرف ساختن زنان از مبارزه با استعمار رژیم دست نشانده آن به پیش کشیده میشود سازمان ما که در مسیر انقلاب ایران کام بر میدارد باید به اهمیت نقش زنان در انقلاب توجه کند و برای جلب آنها به صفوف انقلابیون، برای بسیج آنان در سازمانهای توده‌های سه خاطر مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بکوشد. تاریخ معاصر ایران شاهد مبارزات درخشان زنان بوده است: زنان ایرانی همه گونه شایستگی برای شرکت در انقلاب را دارند و هیچ دلیلی نیست که آنچه که از زنان قهرمان ویت نام منصفه عبور رسیده و میرسد در توانائی زنان میهن ما نباشد. زنان ایران بعلت عواملی که در فوق بدانها اشاره کردیم در اکثریت قریب با اتفاق خود در عقب ماندگی و تاریکی بسر میبرند و وظیفه عناصر انقلابی است که بخشی از فعالیت خود را بنگار در میان زنان اختصاص دهند و با شیوه‌های مناسبی آنها را بمبارزه جلب کنند. از آنها برای رهبری مبارزه کادرفهائی پیروش دهند. این فعالیت دشواری است که صبر و حوصله بسیار میخواهد ولی از آن نمیتوان چشم پوشید. زنان و بویژه زنان روشنفکر باید به این نکته عمیقاً بیند که برابری کامل آنها با مردان در جامعه و خانواده فقط در سایه پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین میسر است و بنا بر این آنها نیز باید دوش بدوش مردان در مبارزه انقلابی شرکت جویند و با شرکت خود پیروزی انقلاب را تسریع کنند. ما یقین داریم که زنان نقش شایسته خود را در انقلاب ایران با سر بلندی ایفا خواهند کرد.

توسعه مرکز در... بقیه از صر مبارزات دفاعی کوشش دستگاه حاکمه را در مورد تاریخ گذاشتن و پنهان نگه داشتن سبانهائی خود بلا اثر میکند. مردم ایران بی میگردند که چه جنایات عظیمی در پشت پرده صورت میگیرد بی میگردند که در زندگی محمد رضا شاه از جنایات سران دولت یوشالی سایگون کتر نیست و برای موقوف کردن آنها بایستی همان راهی را برگزید که مردم ویتنام برگزیدند.

**روزنیونیست‌های شوروی**  
دشمن خلقهای شوروی و ایران و جهانند در رژیم پرولتاریه  
"تلویزیون مسکو... در امدان زن به عوسهای جوانان نشن عدد می دارد. من در ایران ناخر ابرای برنامها و از دو دختر روسی از تلویزیون مسکو دیدم که با مینی ژوپ اصیل و آرایش ۵۰ سالند نه همان اداهای بیگل هارا در میآوردند و آوازه‌های نوع غریبی را میخواندند و مورد استقبال وکف زندهای شدند ترور شوروشوق تر فرامیگرفتند. من تردید دارم که تا ده سال دیگر میان نسل جدید شوروی و نسل جوانان عرب فاصله و تفاوتی باقی بماند." کیهان ۱۳۴۷  
"عده هزار کیلو متر در خاک شوروی"  
"استغالی نه نپهر وادی و ستک انشا همنشا ایران بعمل آوردن و اقصا حیرت انگیز بود. تمام مردم شهر بدین اغراق بجایا بنها آرد و حتی بچه‌ها و تمام بچه‌ها، صداهای بیست تاسی نفری بچه‌های کوچولوی روسی در تمام مسیرنا همنشا جشن میچورد. هر بیستیا سی نفر طفل با یک پرستار زن در کارخانیا بان بصف ایستاده بودند... مخصوصاً وقتی نا همنشا از برابریان میگفتند و در سرور و در دل همه می‌نشاند. نسل آینده شوروی را من در این مراسم دیدم"  
کیهان ۱۳۴۷ آبان ۱۳۴۷ از همان یار...  
"احیرا حلاصه از کتاب "انقلاب سفید" بظم شاهنشاه آریا مهر در مسکو بزنان روسی ترجمه و چاپ و در ریانزده هزار نسخه به فروش رسیده است. این ترجمه را یکی از مترجمین نزدیکان شوروی منتشر کرده است. قبل از ترجمه کاملی از کتاب انقلاب سفید که در پاریس بزبان روسی ترجمه و چاپ شد بود منتشر کردید...  
تهران ۲۸ خرداد ۱۳۴۷

**گروپ در شوروی**  
مسافری که در شوروی در شهر نوکوی بیسفا علامت "ساخت گروپ" را بر در و دیوار کارخانه‌های میبند یکسه میخورد و نمیخواهد بدیده خود باور کند ولی وقتی در درشهای "نو و منگو و سک" و "کورسک" نیز همین علامت را در درشتا و چشم گیر - بر کارخانه‌های دیگری میبند ناچار به واقعیت تلخ اعتراف میکند:  
گروپ بزرگترین سرمایه دار آلمان که در ۱۹۳۲ بهم دستنی سایر انحصار داران آن کشور به تقویت مالی فاشیسم هیتلری گذرست و از سازندگان قدرت هیتلری بود و میلیاردها مارک از قبیل اسلحه سازی رژیم نازی بر سرمایه خود افزود. گروپ که پس از جنگ در درگاه توتنبرگ بمناسبت شرکت در جنایات فاشیستی به حبس ابد محکوم شد و فقط بیاری امپریالیست‌های آمریکا توانست از این محکومیت رهائی یابد... اینک امپریالیست خونخوار اینک در عده‌های از شهرهای بزرگ اتحاد شوروی تابلوی خود را بالا برده است.  
روزی که در ۱۹۶۶ در بازار بین المللی لایپزیک سردسته روزیونیست‌ها خورشیدف در برابر گروپ جام خود را به سلامتی "رئیس سلسله بزرگ گروپ" بلند کرد معلوم بود که روزیونیسم شوروی و امپریالیسم آلمان در تدارک ماه غسل اند و اوشون کارخانه‌های گروپ در شوروی زاینده این ماه غسل است!  
روزیونیست‌های شوروی نه فقط خلق شوروی را بزیر استعمار بورژوازی جدید شوروی کشیده‌اند بلکه با انعقاد قراردادهای اقتصادی اسارت آوری با انحصارهای آمریکائی، ایتالیائی، ژاپنی و آلمانی دست امپریالیست‌های بیگانه را در عارت دست‌ترنج شوروی گشود هاند.  
ننگه نفرین بر آنها.

برخی از مظاهر... بقیه از صر ایران از چنین صوای برادرشکی بیزار است و آنها که چنین فتوایی صادر کرد اند دانسته و یا ندانسته نهضت توهین روا داشته اند. همین صد کمونیست‌ها بجای آنکه بر روزیونیسم - این دشمن آزادی خلقها - حمله کنند بیدایش روزیونیسم را وسیله برای حمله بر کمونیسم ساخته اند. هیچ خیانتی از روزیونیست‌ها معاصر سر نمیزند مگر آنکه این خند کمونیست‌ها آنرا بصورت سلاح بر ضد کمونیسم‌نپنی و استالینی در آورند. حتی اگر فلان ژنرال منحط شوروی در مسافرت به ایران بتقلید از رهبران روزیونیست خود بتعلق از محمد رضا شاه پیر از بد رنگ خند کمونیست‌های ایران یاد آور میشوند که این همان است که در سال ۱۹۴۹ از دست "رفیق استالین" عنوان قهرمان اتحاد شوروی در دریافت کرد" (۳ ایران آزاد، مرداد ۱۳۴۷) تا باین طریق دوران ایستایی شوروی را بیالایند. اگر حزب کمونیست چکسلواکی بدرجه حزب بورژوازی سقوط کرد دلیل آنرا ترسیدن رهبران و کادرفهائی آن، نه در نقش شورویونیست‌های شوروی بلکه در دوران استالین باید جستجو کرد. اگر روزیونیست‌های شوروی بشیوه فاشیستی بر جمهوری چکسلواکی بمنظور اسیر ساختن خلق حمله میبندد کاشن برعهده شوروی دوران استالینی است که اگر چه در اینجا گویا بوقع نبوده زیرا که خند کمونیست‌های ایران اصولاً حمله روزیونیست‌های شوروی را بر چکسلواکی طریقی مورد تأیید قرار دادند. (۳ ایران آزاد، آذر ۱۳۴۷)

برخی از ضد کمونیست‌ها از جندی باینطرف تظاهر بمارکسیسم را بی از جملات زندگی خود ساخته اند و چنین جلوه میدهند که گویا حمله آنها بر کمونیست‌ها از موضع مارکسیستی است. آنها شوق سوزانی به تحلیل "علمی" تاریخ دارند تا بنگ "مارکسیسم" ثابت کنند که نهضت کمونیستی چیز دیگری جز یک سلسله اشتباه، ضعف و حیانت نبوده و بیوسته موجب ننگست "نهضت اصیل" خلق شده است. بیوجب این تحلیل "علمی" نه فقط حزب توده ایران شد راه نهضت ملی بوده بلکه در گذشته پیش از جمهوری ۱۳۲۰م اگر مانعی در راه پیروزی خلق نتوان سزاع گرفت همان حزب کمونیست ایران بوده است. مثلا اگر نهضت جنگ را با این تحلیل علمی از نظر بنگ رانیم دیده میشود که همزیرا کوچک خان جنگلی مردی است، دلیر و ضد استعمار، هوادار دهقانان، و حتی، آگاه از تئوری امروزی مربوطه ارتش توده‌ای و جنگ پارتیزانی. اگر ایادی بر او نتوان گرفت این است که "ناچار بیستینا هادی چپ روانه زغالی حزب کمونیست ایران تسلیم شد و با شرکت در اقدامات آنان، در واقع در شرکت انقلاب سهیم گردید" ("تأمیناری" مهر ۱۳۴۷ ص ۲۲). نویسنده مقاله در تحلیل علمی خود تا آنجا پیش میروید که لنین کیرا را بصفات سیاسی که جمهوری جوان شوروی در ایران و نهضت جنگل انتخاب کرد مورد افترا قرار میدهد. اگر کسی باین "مارکسیست ضد کمونیست" متذکر شود که همزیرا کوچک خان با تقسیم زمین در بین دهقانان موافقت نداشت، با حکومت تهران روشن متزلزل در پیش گرفت، قدرت حبیبه واحدی بدکار نی میگزیند، حیدر عموالی نماینده حزب کمونیست و رئیس خارجه خود را حیل گارانه و ناجوانمردانه بقل آورد و ایشاف با حزب کمونیست را برهم زد، اگر کسی خاطر نشان کند که این کثیفه میزاکوچک‌خان، این نماینده شایسته حزب کمونیست ایران درخشان‌ترین چهره انقلاب مشروطه و فرزند پر افتخار غطف کارکر ایران بود چنین کسی در نظر ضد کمونیست‌ها "سد راه نهضت" است، ولی در واقع سد راه کسانی است که میخواهند تاریخ را به هیئت بورژوازی ایران بسازند و ریشه تاریخی کمونیسم را در ایران بختانند.

عنوان - دید مگانبات  
24030 VILLA D' ADDA / ITALY  
حساب بانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 12470 / 11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

## توده‌دانشجویانقلابیست

آیا توده دانشجویان کشور ما انقلابی است؟  
باین سوال، روزیونیست‌ها جواب منفی و مارکسیست‌لنینیست‌ها جواب مثبت می‌دهند.

ما می‌گوییم که ایران در مرحله انقلاب دموکراتیک نوین است و توده دانشجویان زمره نیروهای چنین انقلابی است. ما توده دانشجویان را باین معنی انقلابی می‌دانیم.

روزیونیست‌ها بخلاف این معتقدند و اگر چه در این اواخر کوشش فراوانی بکار می‌برند که عقیده خویش را در زیر جملات پیچیده و لغز مانند بیوشاندن مضمون روابط گفتارشان پوشیده نمایند.

روزنامه مردم (ارگان روزیونیست‌های حزب توده ایران) در شماره فروردین ماه ۱۳۴۷ توده دانشجویان را به سه گروه تقسیم کرد و در مورد گروه سوم چنین نوشته بود: "گروهی که معمولاً اکثریت را هم تشکیل می‌دهد بین خلق و طبقات حاکم نوسان میکند." یعنی عقیده روزیونیست‌ها "اکثریت" دانشجویان در موضع انقلابی قرار ندارند و بین خلق از یک سو و رژیم کودتا از سوی دیگر، در نوسان اند. آنگاه روزیونیست‌ها این سوال را مطرح می‌سازند که چرا چنین است؟ و بسادگی پاسخ می‌دهند: زیرا که اکثریت دانشجویان از خرده بورژوازی هستند. از این استدلال روزیونیست‌ها نتیجه می‌شود که خرده بورژوازی در کشوری نظیر کشور ما در مبارزه با حکومت ضد ملی و دست نشانده امپریالیسم موضع انقلابی ندارد و بیس خلق از یک سو و رژیم کودتا از سوی دیگر، در نوسان است. معلوم نیست که روزیونیست‌ها در اینجا کلمه خلق را بجه معنی بکار می‌برند. زیرا که اکثریت خلق ایران با خرده بورژوازی (اعم از شهری و روستایی) است، و چگونه می‌توان گفت که خرده بورژوازی بین خلق و طبقات حاکم در نوسان است! روزیونیست‌ها این حقیقت را که خرده بورژوازی در انقلاب سوسیالیستی گرفتار تردید و تزلزل می‌شود و بین پرولتاریا و بورژوازی نوسان میکند در مورد انقلاب ملی و دموکراتیک ایران بصورت بی‌معنای فوق در آورده‌اند.

تردیدی نیست که خرده بورژوازی در مجموع خود از اجزای متشکله نیروهای انقلابی ایران در مرحله کنونی است. این بان معنی نیست که خرده بورژوازی هر یک نمی‌خورد و براه خطا نیروی این بان معنی نیست که ما خود را با صدور حکم مذکور از بیدار کردن روح انقلابی خرده بورژوازی از آموزش آیدئولوژیک و سیاسی او، از سازمان دادن او تحت رهبری پرولتاریایی نیاز میدانیم. چنین بی نیازی در مورد هیچ طبقه‌ای و از آن جمله طبقه کارگر نیز وجود ندارد. این بدان معنی است که شرایط موجود در ایران، خرده بورژوازی را صف انقلاب قرار می‌دهد نه در صف ضد انقلاب.

چرا روزیونیست‌ها اینقدر اصرار می‌ورزند که توده دانشجویان را غیر انقلابی معرفی کنند؟  
زیرا که اولاً می‌خواهند گناه غیرانقلابی بودن خود را بر گردن شرایط عینی جامعه و از آن جمله برگردن قشر دانشجویان بیندازند و ثانیاً می‌خواهند با این مقدمات محلی برای ترمز کردن جنبش دانشجویان و بی‌انگیزگی آنها بپهنای پیدا کنند که سازمان‌های دانشجویی را در چارچوب شعارهای اقتصادی و یا شعارهای سیاسی رقیب نگه‌دارند. امروز همه دانشجویان از این تلاش پیدا و نا پیدا روزیونیست‌ها آگاه‌اند.

تیک مارکسیست-لنینیست‌ها بر عکس معتقدند که انقلاب مودرا نوین کار همه طبقات و قشرهای دموکراتیک خلق است، شعارها ملی و ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری شعارهای مشترک قاطبه مردم است، هر سازمان صنعتی و توده‌ای که فاقد چنین شعارهایی باشد خود را از توده‌های خلق ایران منفر و از انقلاب ایران برکنار خواهد ساخت. چنین عقیده در ص ۲

# نقش شایسته زنان در انقلاب ایران

مناسبت روز ۸ مارس

کار اندازند و در پروسه تولید اجتماعی فعالانه شرکت جویند. بی‌شک نیست که آزادی زنان از هرگونه قید اجتماعی و تساوی حقوق آنان در تمام شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یکی از اصول مزای حزب طبقه کارگر جزو لاینفک مبارزه این حزب است. زنان ایران نیکی از سگه کشورند اما نیکی محروم‌ترین بخش زنان مانند مردان از کلیه بلایای اجتماعی و اقتصادی ناشی از تسلط امپریالیسم و طبقات حاکم دست نشانده آن در رنج اند. امامیان زنان مردان عدم تساوی شدیدی بچشم می‌خورد. زنان در یک رشته از حقوق سیاسی و اجتماعی، حقوقی که مردان از آن برخوردارند، محرومند. در موسسات تولیدی که در آنها برای کار مساوی، زنان مزد کمتری دریافت می‌دارند. بیش از مردان استثمار می‌شوند. از اینها همه وخیمتر بقیه در ص ۳

روز هشتم مارس جشن بین‌المللی زنان را بنام بانوان و دانشجویان ایران تهیه می‌کنیم. روز هشتم مارس روز همبستگی زنان سراسر جهان در مبارزه بخاطر رهایی از قیود ارتجاعی و قیود وسطانی و نیل به تساوی حقوق با مردان است. از زمانی که زنان روز همبستگی خود را بنیان نهادند قریب شصت سال می‌گذرد. در طول این مدت زنان با مبارزات خویش توانسته‌اند در وضع اجتماعی خویش تغییرات بسیاری بوجود آورند. هم اکنون زنانی که در کشورهای سوسیالیستی بسر می‌برند از آزادی کامل و حقوق مساوی با مردان برخوردارند. در نیلای سرمایه‌داری نیز در وضع زنان بهبودهایی پدید آمده است. ولی در اینجا ما هنوز از آزادی زنان و تساوی حقوق زن و مرد خیلی دوریم، هنوز فاصله اجتماعی زیادی زنان را از مردان جدا می‌سازد. دلیل آنهم روشن است:

وضع ناسف انگیز زن در جامعه طبقاتی از ماهیت این جامعه بر می‌خیزد و تنها با برانداختن جامعه طبقاتی می‌توان به این وضع پایان بخشید. طبقه کارگر این رسالت تاریخی را برعهده دارد که با برانداختن جامعه طبقاتی، خود و متحدین خود را آزاد می‌سازد و زنان را نیز از اسارت و محرومیت رهایی می‌بخشد. آزادی زنان و تساوی کامل آنان با مردان جز با دست طبقه کارگر، جز در جامعه سوسیالیستی و در جریان ساختمان سوسیالیسم امکان پذیر نیست. فقط در جامعه سوسیالیستی است که زنان امکان می‌یابند کلیه استعداد‌های جسمی و روحی خود را به

## رفقا و دوستان

روزنامه توفان به نیروی خود یعنی به نیروی مارکسیست-لنینیست‌ها و انقلابیون و میهن پرستان ایران برسد. پایتخت، دوشوی مالی توفان را که با هر شماره همراه است فقط با کمک مداوم علاقه مندان می‌توان مرتفع ساخت. یک روز در هفته بسود توفان کار کردن یک روز در آمد خود را در ماه به توفان امانت دادند. از دوستان دور و نزدیک برای توفان یاری خواستن ضامن ادامه حیات توفان و بهبود و تقویت آن است.

## دروغ به حزب کمونیست مارکسیست لنینیست ایتالیا

کسب حزب کمونیست آن کشور سو استفاده می‌کند و هنوز هتودهای کثیری از مردم را در دام خود نگه داشته اند. آنها وسایل عظیم تبلیغاتی در اختیار دارند و از مراحم بید ریخ روزیونیست‌های شوروی و نیز از پشتیبانی نهانی سرمایه داری ایتالیا برخوردارند. در زمین شرایطی مارکسیست-لنینیست‌های ایتالیا دلیرانه بجایستند و حزب انقلابی طبقه کارگر را زینویانده‌اند. دفاع از مارکسیسم-لنینیسم و پختنانه بشه ما توده‌ها در عرصه هم‌توانی ساخته، مواضع روزیونیستی را در عرصه ایدئولوژیک و سیاسی در پرتو حوادث روز در هم کوبیدند. در مبارزات ماههای اخیر لادرها و اعضا حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا همیشه در صفوف مقدم قرار داشتند و پیوسته کارگران و دانشجویان و سایر توده‌های زحمتکش را بسوی شعارهای صحیح و راههای انقلابی رهنمون می‌شدند. از اینجهت پیوند آنها با توده‌ها و نفوذ و حیثیت حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا روز بروز محکمتر و گسترده‌تر می‌شود.

پس عجیب نیست اگر ختم و کین و تحریکات امپریالیست‌ها و روزیونیست‌های ایتالیا (حزب کمونیست) مارکسیست-لنینیست (ایتالیا) متوجه است. همه می‌بینند که ایتالیا در آستانه نبردهای عظیم طبقاتی قرار دارد و وجود حزب مارکسیستی-لنینیستی و رشد و قوام آن ضمانت پیروزی طبقه کارگر و شکست قدرتشخصار خلق، همدستان انحصارها و روزیونیسم شوروی (که خواهان تقسیم جهان با امپریالیسم امریکا است) تمام نیرو برای درهم کوبیدن سزاد زحمتکش ایتالیا (حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست ایتالیا) خواهد کوشید. در این مورد روزیونیست‌های شوروی شیوه شناخته شده‌ای دارند که آنرا در حزب کمونیست و تزولا، در حزب کمونیست هند، در حزب کمونیست ژاپن و غیره بکار می‌برند ولی بدون تردید هیچ یک از این سانس نخواهد توانست حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا را ه افکار دهنده و نقش تاریخی رهبری انقلاب سوسیالیستی در آن کشور است از تقویت و توسعه‌یاز دارد. ما یقین داریم که حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا از آرزوهای سخت سر بلند خواهد گذشت و بمرحله عالیتری از رشد کام خواهد گذشت.

افتخار بر حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا و ارگان مرکزی آن نوا اوتینا.

حزب تولیانی - لنگو در ایتالیا مانند حزب توری - والدله روزه در فرانسه از نخستین احزابی بود که روزیونیسم و ایورونیسم در غلطی و مانند حزب اخیر سرعت رو بتلاسی رفت. اینک بحران مرگ‌آوری حزب روزیونیست ایتالیا را فرارفته‌است؛ حزبی که نقش دولت را بعهده و سیله زور کوئی طبقه معین‌انگاری میکند قانون اساسی بورژوازی ایتالیا را چارچوب سوسیالیسم می‌ندارد و رقم بنیادی جامعه را با وجود بقای رژیم موجود آنکاید یسر می‌شمارد، بجای توسل بمبارزه انقلابی شیفته مبارزات پارلمانی است، هرگونه اعمال قهر طبقات زحمت کش را مردود میدانند امروز با مواج اوج گیر مبارزات حیاتی ملی می‌لینونه نفر از زحمتکشان روبرو است و هرروز در تضاد جدیدی با واقعیت جامعه ایتالیا قرار می‌گیرد. هفت سال پیش تولیانی - پدر روزیونیسم ایتالیا - در دفاع از راه پارلمانی حزب کمونیست چین متباح و برآن بود که رفقای چینی از "شرائط جدید گسترش مبارزه دموکراتیک و سوسیالیستی" در ایتالیا بیجبراند. ولی حوادث سالها و بویژه ماههای اخیر نشان داد که این بیجبری دامنجوید روزیونیست‌هاست نه مارکسیست-لنینیست‌ها. روزیونیست‌ها که فریبکارانه می‌گفتند که در ایتالیا طبقه کارگر در پناه قانون اساسی - دموکراتیک" موجود می‌تواند از راه "مسالمت‌آمیز" سر منزل سوسیالیسم برسد اینک که قوای مسلح حکومت و نفر از کارگران کشاورزی سبیل را فقط بجرم اعتصاب برخاک افکنده و در کلیه شهرهای ایتالیا در هر شتیک و دموستراسیونی ده‌ها نفر را میکوبد و زخمی میکند جز رسوائی نتیجه‌ای نکرده‌اند. تعداد کم نیست‌ها، هائی که بر علیه رهبری روزیونیستی بر می‌خیزند و بحزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا می‌پیوندند روز بروز در افزایش است. کمونیست‌های ترن تولا که اخیراً بلیمت مرکزی حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا نامه نوشته و بریدن خود را از روزیونیست‌ها و پیوستگی خود را بان حزب اعلام داشتند نوار و روشنی از اعتلا آگاهی زحمتکش ایتالیا و نشانه تلاشی حزب روزیونیستی است.

حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایتالیا و ارگان مرکزی آن، نوا اوتینا، در افتخار روزیونیسم و همکاری آن با سرمایه‌داری ایتالیا وظیفه دشوار و پرافتخاری انجام می‌دهد. باید در نظر گرفت که روزیونیست‌های ایتالیا از اعتقاد دیرین توده‌های زحمت